

راه‌کارهای تربیت جنسی فرزندان در خانواده

سمیه سادات فاضلی^۱، وجیهه شیرکوند مقدم^۲

چکیده

تربیت جنسی فرزندان، یکی از مهمترین دغدغه‌های فکری والدین است. ناتوانی پدر و مادر در انتخاب رفتار مناسب با فرزندان، اثرات جبران‌ناپذیری بر رفتار آنها دارد که گاهی تا پایان عمر باقی خواهد ماند. پژوهش حاضر، راه‌کارهای تربیت جنسی فرزندان از سن نوجوانی و جوانی در خانواده را بررسی کرده و توصیه می‌کند که والدین باید نسبت به این مرحله از زندگی فرزندان شناخت کامل داشته باشند و برای پرورش فکری و اخلاقی فرزندانشان تلاش کنند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، راهکارهای تربیت جنسی فرزندان در خانواده را بررسی می‌کند. براساس نتایج پژوهش حاضر، آموزش صحیح مسائل جنسی، پرورش حیا، پرورش غیرت، نماز و روزه، نظارت بر گروه همسالان، آموزش احکام زن و مرد، پرورش هویت جنسی، پرکردن اوقات فراغت و ازدواج از اموری است که می‌تواند راهکاری برای تربیت صحیح جنسی فرزندان در خانواده لحاظ شود.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، جنسیت، خانواده، راهکار، فرزند.

۱. مقدمه

تربیت صحیح، ابعاد مختلف و متعددی دارد. برای نیل به تربیتی همه‌جانبه باید علاوه بر پرورش جسمانی، به پرورش بعد روحی، ذهنی، اجتماعی، معنوی نیز توجه کرد. تربیت جنسی، یکی از

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. استاد همکار گروه مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

ابعاد تربیت است که تأثیر زیادی در آینده فرد خواهد داشت. داشتن هویت جنسی و ایفای نقش جنسیتی مناسب متأثر از تربیت جنسی فرد است و زمینه‌های ایجاد این مهم باید توسط والدین فراهم شود. غریزه جنسی، غریزه‌ای است که از ابتدای تولد تا سن بلوغ در وجود فرد نهفته است. وقتی کودک به سن بلوغ می‌رسد این میل و غریزه خاموش، بیدار شده و اگر نتواند آن را کنترل کند، باعث انحرافات جنسی می‌شود. والدین مهمترین کسانی هستند که قادرند نوجوان را از این مسیر هولناک دور کنند.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. تربیت

تربیت از ربا، یربو و به معنی رشد کردن، برآمدن، قدکشیدن و بالیدن است. ابن‌منظور در لسان‌العرب می‌گوید: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رُبُوًّا وَرَبَاءً؛ زاد و نما یعنی، چیزی رشد کرد و افزوده شد». آنچه در تربیت روی می‌دهد، فراهم کردن زمینه‌های لازم است تا به تدریج استعدادهای انسان شکوفا شود، به فعلیت درآید و به سوی حد نهایی و کمال خود سیر کند. بنابراین، می‌توان تربیت را چنین تعریف کرد: «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۲۴).

۲-۲. جنس

گاهی از جنس، معنای عام اراده می‌شود به طوری که به تفاوت‌های جسمی و روانی دو جنس مخالف اشاره دارد. گاهی جنس معنای خاصی دارد که به غریزه جنسی، کارکرد جنسی، بلوغ جنسی، آموزش جنسی و رشد جنسی اشاره دارد. (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۴۳)

۲-۳. جنسیت

این مفهوم، برخلاف مفهوم جنس که به تفاوت‌های بیولوژیکی میان مرد و زن اشاره می‌کند بر سیمای اجتماعی تفاوت‌های جنسی میان مرد و زن تأکید دارد. جنسیت در همه سطوح جهان اجتماعی دیده می‌شود. جنسیت، شکل‌دهنده شیوه اندیشیدن درباره خود و برقرار کردن ارتباط

با دیگران بوده و تأثیر زیادی در تعیین نوع کار و زندگی خانوادگی افراد دارد، اما مفهوم جنسیت چیزی بیشتر از تفاوت‌های ژنتیکی بین مرد و زن است. جنسیت، تعیین‌کننده سلسله‌مراتب اجتماعی است؛ زیرا در بیشتر جوامع، مردان بخش عمده منابع اجتماعی را کنترل می‌کنند. از این رو جایی که جنس می‌تواند مذکر یا مؤنث باشد، جنسیت بر معنی اجتماعی مردانگی و زنانگی اشاره دارد. (عضدانلو، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶) فعالیت هورمون‌های جنسی در زمان بلوغ افراد به اوج خود رسیده و ویژگی‌های جنسی ثانویه را در زن و مرد به وجود می‌آورد؛ یعنی ترشح تستسترون در مردان، باعث رشد اندام‌های تناسلی، تغییر شکل بدن، پهن شدن شانه‌ها و رشد قفسه سینه، تغییر در رویش موی سر و بدن، رشد حنجره و تارهای صوتی، بم شدن صدا و افزایش میل جنسی و... می‌شود (حائری روحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰). هورمون‌های استروژن و پروژسترون در زنان نیز علاوه بر به وجود آوردن ویژگی‌های جنسی ثانوی به طور متناوب باعث آمادگی رحم برای بارداری شده و دوره ماهانه جنسی را تنظیم می‌کند. ویژگی‌های جنسی ثانویه‌ای که توسط استروژن‌ها در دوره بلوغ در دختران به وجود می‌آید عبارتند از: رشد سینه‌ها، لگن و رحم، ذخیره چربی در نواحی مختلف بدن و... (حائری روحانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱). واژه جنسیت در ادبیات جدید، برای اشاره به ویژگی‌هایی است که در نتیجه تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت ظاهر شده و در مقابل واژه جنس، ویژگی‌های زیست‌شناختی متفاوت بین مرد و زن است (بستان، ۱۳۷۸، ص ۳).

۲-۴. تربیت جنسی

منظور از تربیت جنسی این است که زمینه‌ها و عوامل مربوط به مسائل جنسی طوری فراهم شود که استعدادها و شخصی در به کمال رسیدن فرد، شکوفا شده و او را برای رسیدن به کمال مطلوب یاری رساند. از این رو می‌توان گفت که هدف از تربیت جنسی، دستیابی فرد به آگاهی‌ها، عادات و آدابی درباره چگونگی اعمال و ارضای غریزه جنسی است که او را برای رسیدن به رشد و هدف مطلوب یاری می‌کند. (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۴۴) تربیت جنسی یعنی، زمینه رشد غریزه جنسی طوری

باشد که با استفاده لازم از این گزینه از انحرافات و لغزش‌های جنسی جلوگیری شود (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۲-۵. آموزش جنسی

مراد از آموزش جنسی، دادن آگاهی‌های کلی صحیح درباره وقایع و تغییرات جسمی و روانی بلوغ و راهنمایی نوجوانان در رفتار و کردار آنها نسبت به خود و دیگران و شیوه ابراز علاقه و دوستی‌های معقول و جلوگیری از انحرافات است. (شرفی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳) با بررسی معنی لغوی و اصطلاحی تربیت و آموزش مشخص می‌شود که تربیت، آموزش را هم دربرمی‌گیرد، پس تربیت اعم از آموزش است؛ زیرا برای هر تربیتی به آموزش نیاز است درحالی‌که برای هر آموزش به تربیت نیازی نیست. آموزش، مقدمه تربیت بوده و برای تربیت افراد باید مسائلی را به آنها آموزش داد (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). بنابراین، تربیت جنسی وسیع‌تر از آموزش جنسی است.

۳. بلوغ یا بحران نوجوانی

تغییرات اساسی دوران بلوغ، نوجوانان را با مشکلات بسیاری درگیر می‌کند. این مشکلات در جوامع معاصر بیش از گذشته بوده و ممکن است سلامت و بهداشت روحی نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد. این حالت را بحران نوجوانی می‌گویند. از نظر فروید، نوجوانی، دوران نضج جنسی و برهه تحمل دشواری‌های زندگی جنسی است. اریک فروم، اریکسون و... هر یک بحران دوران نوجوانی را تفسیر و تحلیل کرده و از مطالعه مجموع آنها به دست می‌آید که روان‌شناسان و روان‌کاوان به تلازم میان بحران و نوجوانی، نگرش همسان ندارند. (ثابت، ۱۳۸۶)

۴. راهکارهای خانواده در تربیت جنسی جوانی و نوجوانی

خانواده آرام و به دور از تحریکات جنسی، اولین جایگاهی است که می‌تواند رشد جنسی را از دوران کودکی تا جوانی به طور طبیعی و سالم پیش برد و گرنه باعث بروز انحرافات جنسی، بلوغ زودرس و ناهنجاری می‌شود. محیط خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودک از جمله درزمینه جنسی دارد.

۴-۱. آموزش صحیح مسائل جنسی

یکی از مسائلی که انسان‌ها در ارتباط با هم با آن مواجه می‌شوند مسئله غریزه جنسی است. از آنجاکه این غریزه به صورت یک نیاز در انسان ظاهر می‌شود باید به گونه‌ای صحیح ارضا شود. اگر انسان در زمینه مسائل جنسی درست تربیت نشده باشد برای ارضای این نیاز به راه‌هایی می‌رود که هم خود و هم جامعه را به تباهی و فساد می‌کشاند. صلاح و فساد خانواده و جامعه با هم ارتباط تنگاتنگ دارد به طوری که روابط سالم در یکی، دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو در خانواده‌هایی که تربیت جنسی محقق شده است روابط دوستانه و صمیمی بین اعضای آن به ویژه بین والدین و فرزندان برقرار است. اگر خانواده، فرزندان خود را از مسائل و زمینه‌های انحراف مربوط به امور جنسی آگاه نکند جوان و نوجوان، آمادگی لازم برای مقابله با انحرافات جنسی و پیامدهای ناشی از آن را نخواهد داشت. نظریه‌های مختلف در مورد آموزش مسایل جنسی عبارتند از:

- برخی از نویسندگان مسلمان که تصور می‌کنند راه سعادت فرزندانشان در افزایش سطح اطلاعات علمی و دانش روزمره آنها نهفته است راه افراط پیموده و هر نوع آموزش و اطلاع‌رسانی جنسی به کودک و نوجوان را مفید و لازم دانسته‌اند. این گروه از این نکته غافل هستند که آموزش مسائل جنسی بدون حد و حصر و آمادگی، موجب لغزش و انحراف جنسی خواهد شد؛

- افرادی که آموزش مسائل جنسی را به شدت نهی کرده و بر این باورند که غریزه جنسی، امری طبیعی است و نیازی به آموزش ندارد و آموزش مسائل جنسی به کودک یا نوجوان زمینه انحراف و لغزش را برای او فراهم می‌کند؛

- افرادی که نمی‌خواهند به افراط و تفریط گروه‌های قبل گرفتار شوند و برای همین، راه معتدلی را برگزیده و معتقدند در زمینه مسائل جنسی باید اطلاعات اندکی در اختیار کودک و نوجوان قرار داد. صاحب‌نظران مسلمان به دلیل توجه به دستورات دینی در این گروه قرار گرفته‌اند. (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷)

۴-۲. آگاهی از تحول جنسی

آشنایی با مراحل رشد و اطلاع کودکان نسبت به مسائل جنسی در هر دوره برای ارتباط با آنها ضروری است. رشد جسمی و جنسی کودکان به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره خردسالی شامل کودکان زیر ۶ سال که در این سنین، کودکان شناختی کلی از جنسیت پیدا می‌کنند؛ مرحله کودکی از ۶ تا ۱۲ سالگی که هویت جنسی کودکان شکل می‌گیرد؛ از ۱۲ تا ۱۸ سالگی که دوره نوجوانی نامیده شده و بلوغ هم با تفاوت‌هایی در این سنین صورت می‌گیرد.

سؤال‌های جنسی کودکان بیشتر از سنین سه تا چهار سالگی آغاز می‌شود. آنها نیازمند اطلاعات صحیح بوده و سؤال‌های خود را تا رسیدن به جواب قطعی و به بهانه‌های مختلف تکرار می‌کنند. والدین ناآگاه در این موارد به دو شیوه برخورد می‌کنند: یا جوابی به این سؤال‌ها نمی‌دهند و یا ذهن کودک را با انبوهی از اطلاعات پرمی‌کنند. دو قاعده کلی برای ارائه اطلاعات جنسی به کودکان توصیه می‌شود: نخست، کشف و درک آنچه کودکان می‌دانند و به دست دادن نحوه نگرش مناسب به آنها پیرامون مسائل جنسی. دوم، صداقت در بیان مطالب. والدین در بسیاری از موارد نمی‌توانند اطلاعات دقیقی درباره مسائل جنسی به کودکان دهند، ولی می‌توانند آنها را از تصور و افکار اشتباه‌رهایی بخشند. مسئولیت آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان از مهمترین موارد تربیتی است که برعهده والدین و اولیای مدرسه گذاشته شده است؛ اگرچه گاهی به فراموشی سپرده شده و اطلاعات ارائه‌شده به کودکان باعث سردرگمی آنها می‌شود. موارد اساسی در بیان مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان عبارتند از: آموختن حقیقت و عواقب ناشی از فعالیت‌های جنسی منحرفانه (به‌ویژه در نوجوانان)؛ ارائه چارچوبی از ارزش‌های مذهبی، اجتماعی و خانوادگی به نوجوانان در مورد ارتباط و فعالیت‌های جنسی؛ آموختن این نکته به نوجوانان که کجا و در کدام موقعیت‌ها باید امیال و هیجان‌های جنسی خود را بروز دهند.

مناسب‌ترین زمان برای آموزش مسائل جنسی به کودک زمانی است که سؤالی در این مورد مطرح می‌کند. در این هنگام حس کنجکاوی کودک برانگیخته شده و کودک باید به بهترین شکل نسبت به این حس اکتناع شود. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۲۷۶) در مورد تربیت جنسی

جوانان و نوجوانان، والدین دو وظیفه کلی و اساسی دارند: یکی اینکه او را نسبت به حقایق جنسی بیولوژیک آگاه کنند تا با کار اندام‌های جنسی و تأمین بهداشت آنها آشنا شود (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱)؛ زیرا اگر والدین، اطلاعات لازم و کافی در مسائل جنسی را به فرزندان ندهند فرزندان دچار اضطراب و افسردگی شدید می‌شوند به گونه‌ای که این عدم اطلاعات در برخی موارد باعث خودکشی می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۸۱، ص ۷۶). دوم اینکه والدین باید به فرزندان خود آموزش دهند که چگونه میل جنسی خود را با توجه به ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه ارضا کرده و از انحراف و پیدایش اضطراب و عوارض روانی دیگر در امان باشند (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱).

۴-۳. پرورش هویت جنسی

منظور از هویت جنسی، قبول ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی دختران و پسران است که به صورت متفاوت در دو جنس ظاهر می‌شود. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵) خانواده، اولین و مهمترین منبع اطلاع‌رسانی به فرزندان در زمینه ویژگی‌ها و رفتارهای جنسی است. والدین می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تصویری درست، مشخص و شفاف از این رفتار و روابط به فرزندان خود ارائه دهند. مادری که به زن بودن خود افتخار کرده و هویت زنانه خود را می‌پذیرد به بهترین وجه می‌تواند احساس زیبایی زن بودن را به دختر خود منتقل کند. اگر پدر به هر علتی، در خانه و زندگی پسرش، حضور فیزیکی و معنوی مثبت نداشته باشد یا پدر و مادر از هم جدا شده و جانشین مناسب مردانه‌ای مثل عمو یا دایی در زندگی پسر نباشد پسر ناخودآگاه به سمت مادر گرایش پیدا کرده و با او همانندسازی می‌کند و خصوصیات و ویژگی‌های زنانه در او تقویت شده، در آینده رفتار مردانه نخواهد داشت و از جنسیت خود راضی نخواهد بود. اگر دختری در سن همانندسازی به هر علتی از نعمت داشتن مادر بی‌بهره بماند و هیچ جانشینی به جای مادرش نداشته باشد با پدر همانندسازی کرده و از همان ابتدا علاقه به بازی با پسران و تمایل به فعالیت‌ها و کارهای مردانه خواهد داشت.

از آنجا که عوامل زیستی، روانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی، نگرش والدین، گرایش‌های فرهنگی آنها و نوع تربیت و برخورد آنها در برابر فرزندان در شکل‌گیری هویت فرزند مؤثر است باید بینش و عملکرد والدین به گونه‌ای باشد که نشان دهد هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هریک برای تکامل و پیشرفت به دیگری نیازمند است. والدین، نقش جنسیتی هریک از فرزندان را به آنها آموزش می‌دهند تا هویت جنسی آنها تقویت شود. برای مثال دختر یا پسر باید اطلاع داشته باشد که جامعه از هریک از آنها چه انتظاری دارد و هریک از نظر رفتاری، گفتاری، پوشاک و... باید چه نقشی را ایفا کند. بنابراین، از اجرای نقش‌های جنس دیگر خودداری کند. والدین باید از تبعیض بین فرزندان دختر و پسر خودداری کنند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵) از جمله اهداف تربیت جنسی، شناختی صحیح از هویت جنسی است. تربیت صحیح، باعث شناخت صحیح هویت جنسی شده و انتظاراتی براساس توانایی‌های جنسیتی برای فرزندان ایجاد می‌کند (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

۴-۴. کنترل میل جنسی

۴-۴-۱. تقویت ایمان

یکی از مبانی تربیت جنسی، تمایل فطری به معنویت است که هر فردی آن را در وجود خود احساس می‌کند. براین اساس انسان به سوی خدا و کمالات اخلاقی گرایش پیدا کرده و در این مسیر، توانمندی‌های دیگری را به کار می‌گیرد. به همین دلیل است که هدف غایی و نهایی تربیت جنسی، تحقق هویت معنوی انسانی و پرورش کمالات اخلاقی است که هویتی خداگونه بوده و هدف آن قرب الی‌الله است. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۲۶) والدین باید زمینه تقویت ایمان فرزندان را از راه مناسک عبادی مانند نماز، روزه و دعا فراهم و توجه آنها را از امیال جنسی به سمت معنویت جلب کنند. از جمله راه‌های تقویت ایمان که والدین می‌توانند در تربیت جنسی فرزندان به کار ببرند عبارتند از:

اول) خواندن نماز: خداوند متعال، نماز را مهمترین بازدارنده گناه می‌داند و می‌فرماید: «ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنکر». خداوند متعال با وضع مقررات دینی مانند نماز و عبادت،

انسان‌ها را در حیطه شرع، محدود کرده و از طغیان‌گریزه باز می‌دارد. قرآن، نماز را عامل بازدارنده از گناه می‌خواند: «و نماز را به‌پا دار که نماز انسان را از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید» (عنکبوت: ۴۵). نماز، یکی از راهبردهای کنترل مثبت و نوعی روش درمانی است (آجدانی و طباطبایی امین، ۱۳۹۰).

دوم) روزه گرفتن: از برکات و پیامدهای مثبت روزه این است که در انسان، حالت انکسار و شکستگی ایجاد و زمینه ارضای نادرست شهوت را نابود می‌کند. رسول خدا ﷺ با مثالی به نقش گرسنگی در پیشگیری از نفوذ شیطان اشاره می‌کند: «ان الشیطان لیجری من ابن آدم مجری الدم فضیقوا مجاریه بالجوع؛ شیطان همچون خون در (شریان‌های) فرزند آدم جریان دارد، پس راه‌های نفوذ او را با گرسنگی تنگ کنید» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۴۲/۶۷). بنابراین، نفس‌گرسنگی در مهار کردن غرایز گوناگون و از جمله‌گریزه جنسی تأثیرگذار خواهد بود (حسین‌خانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

۴-۲. پرورش حیا

یکی از مفاهیم کلیدی در نظام اخلاقی جنسی، مفهوم حیاست. حیا از ویژگی‌های فطری انسان است؛ یعنی بدون اینکه کسی آن‌را به انسان آموزش دهد شخص به‌طور فطری از انجام رفتارهای زشت خجالت می‌کشد. کاربرد این مفهوم به حوزه اخلاق جنسی محدود نمی‌شود، بلکه به تعبیر مرحوم راغب: «هر فعلی را که باید ترک شود در برمی‌گیرد»، اما بیش از هر حوزه‌ای در امور جنسی کاربرد دارد (متقی‌فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹). محور بازدارندگی از فعل گناه در حیا، ادراک حضور ناظر محترم و حفظ حرمت اوست. با این وصف، فرق حیا، تقوا و خوف مشخص می‌شود؛ یعنی در تقوا و خوف، محور بازدارندگی، درک قدرت خدا و ترس از مجازات اوست، اما در حیا محور بازدارندگی و ادراک حضور خداوند متعال است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶).

قرآن در داستان آفرینش آدم و حوا به تلاش آنها برای پوشاندن عورت خود اشاره کرده و می‌فرماید: «چون از آن درخت تناول کردند، شرمگاهشان آشکار شد و به پوشاندن خویش از برگ‌های درختان پرداختند». (اعراف: ۲۲) از این آیه مشخص می‌شود که حیا و پوشش، امری فطری است؛ زیرا هیچ‌کس به آدم و حوا یاد نداد تا عورت خود را بپوشانند و شرم داشته باشند. در

بعضی از روایات آمده است که حیا شعبه‌ای از ایمان است: «لایمان لمن لاحیاء له؛ هرکس حیا نداشته باشد، ایمان ندارد» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۹، ۷۱۷/۲). پرورش حجب و حیا را نباید کوچک شمرد؛ زیرا این مسئله از موارد مهم تربیت جنسی است و با شکل‌گیری این صفت در انسان، احساس عمیق احترام و عفت در برخورد با جنس مخالف آغاز می‌شود. یکی از موانع پیدایش حیا و شرم در میان فرزندان، شیوه نادرست زندگی و معاشرت در خانواده است. گفتار و کردار افرادی که در یک محل زندگی می‌کنند نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت و یا تضعیف و نابودی حجب و حیا در فرزندان دارد. برای مثال نوع خوابیدن افراد خانواده به‌ویژه اگر فرزندان یا والدین در یک بستر بخوابند یا شاهد سخنان و رفتارهای عاشقانه‌ای که والدین در خلوت با هم دارند، باشد رابطه زیادی با کاهش حجب و حیای فرزندان دارد (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). فروریختن پایه‌های حیا موجب می‌شود انسان از انجام عمل زشت متأثر نشده، گستاخ و بی‌باک در حضور دیگران اعمال قبیح را انجام دهد، خطای بزرگ را کوچک شمرد و بر انجام گناه اصرار ورزد، از فعل قبیح خود راضی و خردسند بوده و از آن لذت ببرد، حتی به انجام دادن کار خطا اصرار ورزیده و به آن افتخار کند؛ یعنی آشکارا گناه خود را برای مردم بازگو کند. پیامبر ﷺ اهل تجاهر را بدترین مردم می‌داند (پسندیده، ۱۳۸۵، ص ۳۴۶). فلسفه حیا، شرم کردن از کارهای زشت و کنترل غریزه جنسی است. غریزه جنسی، توفنده‌ترین غریزه در انسان بوده که در درجه اول به پاسخ‌گویی صحیح و در درجه دوم به کنترل قطعی نیاز دارد (حرزاده، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

۴-۳-۴. پرورش غیرت

صفت غیرت به‌طور کلی و غیرت جنسی به‌طور خاص یکی از ویژگی‌های انسانی است که در متون اسلامی جایگاه خاصی دارد. غیرت در لغت به معنی ناموس پرستی و رشک بردن است و به انسان بسیار غیرتمند و ناموس پرست، غیور می‌گویند. (عمید، ۱۳۶۳، ص ۸۹۶) در اصطلاح، صفتی است که انسان را وادار به دفاع شدید از دین و آیین، عرض و ناموس، مال و کشور خود کند. این واژه در مواردی به‌کار می‌رود که چیزی حق اختصاصی شخص یا گروهی است و دیگران می‌خواهند حریم آن را بشکنند و صاحب آن به دفاع شدید برمی‌خیزد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۴۳۱/۳). داشتن

غیرت، یکی از بهترین صفات مردان است؛ زیرا مانع رواج فساد و ناهنجاری‌های رفتاری جنسی در جامعه می‌شود. غیرت مرد نسبت به همسرش به معنای حفظ منافع اوست. وقتی فرزندان می‌بینند که خانواده‌شان نسبت به دین و ناموس آنها بی‌تفاوت نبوده و نسبت به آنها غیرت دارند این رفتار باعث پرورش غیرت، کرامت، عزت نفس و آلوده نشدن به رفتارهای ناهنجار جنسی می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «انسان غیور همان طور که راضی نمی‌شود دامن ناموس خودش آلوده گردد، راضی نمی‌شود دامن ناموس اجتماع هم آلوده شود» (مطهری، ۱۳۵۷، ص ۶۴). اگر انسان، تجاوز به ناموس دیگران را تجاوز به ناموس خود بداند یعنی، بر این باور باشد که اگر به ناموس دیگران تجاوز کند، ناگزیر به ناموس خودش تجاوز می‌شود خود را به گناه آلوده نکرده و غیرت، آنها را از گناه بازمی‌دارد (متقی فر، ۱۳۸۹، ص ۴۷).

۴-۴-۴. آموزش احکام محرم و نامحرم

شناخت صحیح احکام الهی، عنصری مهم در تربیت دینی فرزندان است. برای رعایت احکام الهی توسط فرزندان باید آنها را از دوران کودکی با احکام دینی آشنا کرد تا دختران و پسران هنگام بلوغ با مشکلی روبه‌رو نشده و به تدریج با نقش خاص خود آشنا شوند. در تعالیم اسلامی توصیه شده که بستر کودکان باید در شش سالگی از هم جدا شود. رعایت این اصول باعث می‌شود که دختران و پسران از همان ابتدا به تدریج نقش مردانه و زنانه مناسب را پیدا کرده و برای بلوغ، آمادگی کافی داشته باشند. به هر حال باید از دوران کودکی، زمینه رشد ویژگی‌های فطری دختر و پسر در خانواده فراهم شود و هریک از این دو در مسیری که خداوند فرموده است، قدم بگذارند. (مطهری، ۱۳۷۹)

۴-۴-۵. نظارت بر دوستان

انسان موجودی اجتماعی است، پس زندگی به صورت فردی برای او ناممکن است. یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت فرد، گروه همسالان است. کودکان از هفت سالگی از همسالان و دوستان خود تأثیری می‌پذیرند. این تأثیرپذیری در سنین نوجوانی و جوانی بیشتر است تا حدی که

فرزندان گاهی از دوستانشان بیشتر از خانواده‌شان تأثیر می‌گیرند. بنابراین، والدین باید از ابتدا دقت کنند که کودک آنها با افرادی نباشد که زمینه انحراف او را فراهم کند. (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۶۵) خطر مشکلات جنسی، افراد منزوی را بیشتر از دیگران تهدید کرده و آنها بیش از دیگران با خطر خودارضایی مواجه هستند. از این رو والدین باید فرزندان خود را در این مورد و در ارتباط با دوستانشان کنترل کنند. مراقبت از عواملی مانند کتاب، تلویزیون، مطبوعات، رایانه و ماهواره توسط والدین، امری الزامی و ضروری است (ثابت، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

۴-۶. برگردن اوقات فراغت

یکی دیگر از زمینه‌های انحراف نوجوانان و جوانان، اوقات فراغت است. اوقات فراغت، بستر مناسبی برای رشد شخصیت و اعتلای وجود آنهاست و هم زمینه بروز اختلالات رفتاری و انحرافات جنسی و بزهکاری را فراهم می‌کند. این اوقات اگر با تفریحات سالم، سرگرمی‌های متنوع و کارهای مفید پر نشود نوجوان و جوان به رفتارهای نامشروع روی می‌آورد. والدینی که فرزندان بیکار خود را برای ساعت‌های طولانی به حال خود رها می‌کنند و به کار خود مشغول می‌شوند چه بسا وقتی پیشیمان می‌شوند که دیگر سودی ندارد. کار و اشتغال در پیدایش و تقویت احساس و درک مسئولیت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عاملی بازدارنده از مفاسد و آسیب‌های اجتماعی است، اما بیکاری، تنبلی و راحت‌طلبی از عوامل مؤثر در ایجاد فساد و نابسامانی‌های اجتماعی است (فقیهی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۱). در روایات مختلف بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت، تأکید بسیاری شده است (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۰، ص ۵۸). امام صادق علیه السلام در حدیث مفضل، می‌فرماید: «و هكذا الانسان لو خلا من الشغل لخرج من الأثر والعبث والبطر الى ما يعظم ضرره عليه و علی من قرب منه؛ و همین‌گونه انسان اگر بی‌کار و فارغ باشد به بیهودگی و سرمستی دچار می‌شود و بر اثر آن به مسائلی مبتلا می‌شود که زیان آن هم بر خود و هم بر نزدیکان او سنگینی خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۱۴، ۳/۸۷).

یکی از روش‌های مقابله با انحرافات جنسی، ازدواج است. اگر تمایلات جنسی با ازدواج ارضا شود سلامت روانی را برای فرد به‌ارمغان می‌آورد وگرنه ممکن است به اختلال جنسی روانی و درنهایت به انحراف جنسی بیانجامد. اسلام در این مورد بسیار سفارش و تأکید کرده که والدین زمینه‌ای رضای نیاز جنسی فرزندان را از راه صحیح فراهم و به ازدواج به‌موقع آنها توجه کنند. بی‌توجهی نسبت به این موضوع باعث می‌شود فرزندی که تحت فشار غریزه جنسی است به راه‌های دیگری غیر از ازدواج روی آورد و از این راه‌ها نیاز خود را برآورده کند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ یکی از حقوق فرزند را بر پدر، ازدواج به‌موقع او می‌داند و کوتاهی در مورد ازدواج فرزندان نیز آنها را در گناه انحراف اخلاقی فرزندان سهیم می‌کند. (حسین خانی، ۱۳۸۷، ص ۷۱) رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «کسی که زمان ازدواج فرزندش فرارسد و امکان تزویج او را داشته باشد، ولی اقدام نکند چنانچه فرزند مرتکب گناهی شد او نیز در آن گناه شریک خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴/۱۴۰).

۵. نتیجه‌گیری

نهاد خانواده نقش مهم و معینی در تربیت جنسی جوان و نوجوان دارد. پدر و مادر باید فرزندان خود را برای محفوظ ماندن از پلیدی‌های جنسی یاری کنند. آموزش صحیح مسائل جنسی، پرورش حیا، پرورش غیرت، نماز و روزه، نظارت بر گروه همسالان، آموزش احکام زن و مرد، پرورش هویت جنسی، پرکردن اوقات فراغت و ازدواج از اموری است که از راه آن، خانواده‌ها می‌توانند به تربیت جنسی و تنظیم رفتار فرزندان خود بپردازند و در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌توان شواهد و مؤیداتی بر این راهکارها یافت.

فهرست منابع

۲. قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: فاطمه الزهرا.
۳. اسماعیلی، علی (۱۳۸۱). جوان، انگیزه و رفتار جنسی. تهران: لقاء النور.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت. تهران: انتشارات اسلامی.
۵. آجدانی، نسرین، و سادات امین طباطبایی، طاهره (۱۳۹۰). راه‌کارهای مقابله با انحرافات جنسی در قرآن کریم. نشریه بانوان شیعه، شماره ۲۷، ۱۸۳-۲۱۴.

۶. بستان، حسین (۱۳۷۸). اسلام و تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. پسندیده، عباس (۱۳۸۵). پژوهشی در فرهنگ حیا. قم: سازمان چاپ و نشر مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۸. ثابت، حافظ (۱۳۸۷). تربیت جنسی در اسلام. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۹. حائری روحانی، علی (۱۳۷۶). فیزیولوژی اعصاب و غدد. تهران: سمت.
۱۰. حرزاده، محمد مهدی (۱۳۸۳). حیا زیبایی بی پایان. قم: شفق.
۱۱. حسین خانی، هادی (۱۳۸۷). هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). سبیری در تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۱۳. دیلمی، احمد، و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها معاونت امور اساتید و دروس معارف.
۱۴. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۶). مراحل رشد و تحول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۵. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۱۶. عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۱۷. عمید، حسن (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷). تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
۱۹. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۳). همایش سراسری خانواده و مشکلات جنسی. نشریه پژوهش و حوزه، شماره ۱۷، ۲۸-۲۶۵.
۲۰. متقی فر، غلامرضا (۱۳۸۹). درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۴). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. محمدی ری شهری (۱۴۱۹). میزان الحکمه. بیروت: دارالحدیث.
۲۳. مطهری، محمدرضا (۱۳۷۹). آموزش محرم و نامحرم به کودکان و نوجوانان. نشریه پیام زن، شماره ۱۰۴، ۷۴-۷۶.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). مسئله حجاب. قم: صدرا.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۲۶. موسوی کاشمیری، سید مهدی (۱۳۸۰). غریزه جنسی و راه‌های کنترل آن. نشریه پیام زن، شماره ۱۱۸، ص ۵۸.